

تاریخ سینما

اهمیت سینما در دنیای امروز - قدمت صنعت سینما - «زاتروب» یا چرخ زندگی - مراحل اولیه سینما - وحدت مکان و منظر در سینما - فیلم سینما یا توالی عکسهای ساکت - کیفیت تکامل صنعت سینما .

در دنیای امروز سینما جزء واجبات زندگی شمرده میشود . کمتر کسی را می توان دید که اگر شخصاً هم بسینما نرفته و اندکی خاطر بتماشای آن مشغول نداشته است اسم آنرا لااقل نشنیده باشد . کسانی که در شهرهای بزرگ و مخصوصاً مراکز مملکتها زندگی میکنند خوب میدانند که تاچه اندازه سینما در حیات یومیۀ آنها اهمیت دارد و چگونه بدیدن آن معتاد شده برای فراغت از کارهای خسته کننده روز بتماشای آن میروند .

هنوز چیزی از عمر این اختراع عجیب نمیگذرد که صیت شهرت و آوازه آن بسیط زمین را گرفته و در زندگی توده ها و جماعات اهمیتی شایان کسب نموده است . معهذا از عمر سینما بشکل امروزی آن تقریباً بیش از بیست سال نمیگذرد . این صنعت و اختراع که امروز جزء مسائل عادی زندگی تلقی میشود و بدون تحیر و تعجب بآن مینگرند روزی از غریب ترین اسرار محسوب میشد و حتی از آن در بعضی نقاط بسحر و جادو نیز تعبیر می کردند و توده عوام تفسیرات عجیب و غریبی درباره آن مینمودند .

در دنیای سابق پیام و سینما مفهومی نداشت و نوع وسائل تفریح مردم با این عصر متفاوت بود ، چنانکه طرز فکر آنها با ما تفاوت داشت .

نه تنها در ایران بلکه در سایر نقاط دنیای متمدن نیز سینما اینقدر رواج نیافته و عمومی نشده بود . تنها در بعضی از ممالک عالم آلتی که موسوم به « زاتروب » بود و عوام آنرا « چرخ زندگی » مینامیدند در معرض نمایش گذارده میشد و عدۀ تماشاگران آن نیز بسیار قلیل بود .

این آلت یکی از مخترعات اواسط نیمۀ اول قرن نوزدهم میباشد . در آلمان جوانی از علمای ریاضی دان انگلستان اولین بار این آلت را در سال ۱۸۳۳ اختراع کرد و در معرض نمایش گذاشت .

این آلت استوانه ای شکل و مجوف بود و چون آنرا بروی پایه ای قرار داده و بتکمه آن فشار وارد می آوردند بطور افقی شروع بچرخ زدن مینمود . در قسمت علیای آن چندین صفحه متعدد در محاذات یکدیگر و در قسمت سفلی آن یکدسته از عکسهای متعدد که هنگام حرکت از یک انسان و یا حیوان گرفته شده بود و مدارج مختلفه یک حرکت واحد را نشان میداد بترتیب مخصوصی قرار داشت .

هنگامی که استوانۀ مزبور بحرکت در می آمد این عکسها بسرعت زیاد یکی بعد از دیگری بر روی یکی از صفحات در مقابل روی بیننده قرار میگرفت . اگر آنرا بسرعت کمتری حرکت

میدادند جز يك سلسله عكسهای ثابت و بی حرکت که هر يك از مدارج حرکت را نشان میداد و از یکدیگر جدا و منفصل بود چیزی نمیدیدند ولی هر گاه بر شدت حرکت آن میافزودند تسلسل عكسهای مذکور يك حرکت کامل را نشان میداد. این اولین فیلم سینما بود که باین شکل بهعرض ظهور آمد.

بدیهی است که هیچیک از افراد نسل اخیر این آلت عجیب را ندیده است زیرا آنچه که ما می بینیم صنعت سینما را بعد کمال نشان میدهد. سینما وقتی بمملکت ما وارد شد که مراحل اولیه صباوت خود را بسرعت برق یموده و بمرحله کمال رسیده بود بنابراین شرح و بسط زیاد در اطراف آلتی که هیچیک از ما آنرا ندیده و فقط شرح آنرا در بعضی کتب و مجلات سینمایی میخوانیم بی فایده است: همین قدر باید بگوئیم که آن اصل علمی که در اختراع آلت مزبور در یکصد و دو سال قبل بکار رفت امروز مینا و اساس جعبه های عکاسی سینما شمرده می شود. منتهی علمای اخیر با وسائل علمی و مکانیکی که در دسترس خود داشتند و در یکصد سال قبل بهیچوجه وجود خارجی نداشت این اصل را تکمیل نموده و عکس برداری فیلم سینما را بر روی اساس و مبنای آن استوار ساخته اند. امروز هم آنچه که ما در روی پرده های سینما مشاهده میکنیم عبارت از يك سلسله عکس های متعدد و ساکت است که آنها را در ردیف هم قرار داده و هر يك از آنها بوسیله خط سفیدی از عکس دیگر جداست و بواسطه سرعت حرکت دستگاہ است که ما بجای يك عده عکس-های ساکت و بی حرکت عكسهای متحرکی در روی پرده مشاهده مینماییم. این حرکت بقدری سریع است که قبل از آنکه ما متوجه ساکت بودن يك عکس بشویم فوراً آن قسمت از نظر ما رد شده و یکی دیگر از مدارج حرکت در مقابل چشم ما قرار میگیرد و چنین بنظر ما می رسد که خود عکس در حرکت می باشد در صورتی که این تصور بکلی اشتباه و دور از حقیقت است.

چنانکه گفتیم عكسهای فیلم با سرعت بی نظیری در مقابل چشم ما قرار میگیرد و برای اینکه این تسلسل عکس های ساکت در نظر ما متحرک جلوه کند باید اقلاً در هر ثانیه هشت عکس- بر روی پرده از مقابل چشم بگذرد و در غیر این صورت قطعات آن متفصل شده و يك سلسله عكسها یکی بعد از دیگری در روی پرده دیده می شود که نگاه بآن برای قوه باصره شخص بسیار مضر میباشد. آنچه که گفتیم حد اقل میزان ممکنه بود و این اندازه سرعت در اوایل اختراع سینما امکان پذیر بود. طولی نکشید که علماء و متخصصین با صرف وقت و فکر خود وسایل جدیدی اندیشیده و سرعت حرکت فیلم را به ثانیه ای ۱۶ عکس رسانیدند. در سینما های امروزه در این قسمت پیشرفتهای جالب توجهی حاصل شده چنانکه در هر ثانیه اقلاً ۲۶ عکس از مقابل چشم بیننده میگذرد.

چنانکه فوقاً اشاره شد بین هر يك از این عكسها و عکس بعد از آن فاصله کمی است که آندو را از هم مجزا می سازد و اگر این فواصل را نیز بدهد عكسها اضافه کنیم نتیجه این میشود که در هر ثانیه ۴۸ صفحه مجزا و منفصل در پیش روی ما در پرده سینما قرار میگیرد و از این قرار ما هر يك از این عكسها را در مدتی که بیش از يك چهل و هشتم ثانیه نیست می بینیم. فیلمهای سابق آنقدر مهم و جالب توجه نبود. کلیه فیلمهایی که بمعرض نمایش گذاشته

میشد عبارت بود از قطعات بسیار کوچک و صحنه های خیلی مختصر. نمایش بزرگترین فیلمها بیش از پنج دقیقه بطول نمی انجامید و از طرف دیگر مجله‌های مخصوصی برای نمایش فیلمهای سینما وجود نداشت. تنها در نمایشگاه‌ها، تئاترها و مجالس و محافل عمومی برای تفریح و سرگرمی و رفع خستگی حضار گاهی این قطعات را بمعرض نمایش میگذاشتند. تشریفاتی که این زمان در کوچکترین و بست‌ترین مؤسسات سینمایی معمول است در آن عصر بهیچوجه متداول نبود، بازیگران کار کرده و ورزیده و ماهر وجود نداشتند، فقط فیلمهای بسیار کوچکی از مسائل جاریه و واقعی زندگی از نوع «آکتوالیته» های سینماهای کنونی ولی بطور ناقص و مختصر نشان داده میشد. ولی بمرور زمان دامنه فیلم برداری وسعت یافت و رفته رفته در جزء صنایع ظریفه داخل شد و اساتید ماهر در این فن بوجود آمدند. سینما از دایره محدود خود خارج شد و زمینه وسیع‌تر و مهمتری در پیش گرفت. از طرف دیگر رفته رفته نویسندگان متبحری که کار آنها نوشتن داستانهای مناسب برای سینماست بوجود آمدند و افراد با ذوق و قریحه علاقه زیادی باین موضوع نشان داده و عهده دار راههای متنوع شدند و باین وسیله صنعت آرتیستی سینما رو بتکامل رفت و از داستانها و حکایات و حوادث بطور کامل فیلم برداری شده بمعرض نمایش درآمد.

کسانی که فقط سینما را با مفهوم امروز آن میشناسند و جز فیلمهای کامل چیزی ندیده اند نمیتوانند بفهمند در اوایل امر برای تهیه همان فیلمهای ناقص و کوتاه چه زحماتی متحمل میشدند و باچه اشکالاتی مواجه میگرددند. اخیراً که یانی فیلم برداری پارامونت برای تفریح خاطر مردم نمونه زیبایی از فیلمهای سابق در تحت عنوان «یادگار عهد عتیق» تهیه کرده است. در این فیلم وضعیت فیلم برداری سابق، قطعات مجزا و موارد نمایش آنها، اشکالاتی که در تهیه آنها وجود داشت بطور وضوح و کامل نشان داده شد. شخص با مشاهده این فیلم خود را در یکی از مؤسسات سینمایی قدیم می بیند و در دنیای خارج از این دنیا مشاهده میکند که در آنجا اینهمه وسائل علمی و فنی وجود نداشته است!

بر روی هم می توان گفت علت عمده نقص فیلمهای سابق عدم وسائل کامل مکانیکی بود. بر وکتورهای معیوب و ناقص، نورهای بد و نامتناسب و آلات غیر دقیق را میتوان مانع اصلی تهیه فیلمهای کامل دانست.

در اغلب موارد عده ای با تحمل زحمات زیاد فیلمی تهیه می نمودند ولی هنگام نشان دادن آن ممکن نمیشد بهمان سرعتی که عکس برداری نموده اند فیلم را نشان بدهند. در آن ایام دستگاههای عکاسی را تماماً با دست اداره میکردند و با دست حرکت می دادند و هنگام نشان دادن فیلم دستگاه آنرا با دست بکار می انداختند و باین جهت اشکالاتی طبعاً تولید میشد و غالباً نمایشهای سینمایی شکل کاربکانور را بخود میگرفت.

گذشته از نقص وسائل فنی و مکانیکی مؤسسات فیلم برداری فکر آچار بک‌خبط و اشتباه بزرگ و قابل توجه بودند که ارتباطی با نقص مکانیکی نداشت. در آن ایام کسی نمی دانست اگر در صنعت سینما توجهات لازم و دقیقی بعمل آید ممکن است روزی در زندگانی نوع بشر این اندازه حائز اهمیت گردد. وضعیت فیلم برداری در آن زمان بقرارد ذیل بود:

نویسنده پستی تهیه میکرد یا موضوعی از کتابی و یا داستانی اقتباس مینمود و پس

از مهیا شدن موضوع عمده فکر فیلم بردارها متوجه اشخاصی بود که میبایست رلهای بیس مزبور را بازی کنند. در آن ایام تمام اهمیت فیلم برداری در تهیه آرنیست بود و هیچکس توجهی بترتیب صحنه و منظره بازی نداشت.

موقعی که بازی کنان نمایش رلهای خود را بخوبی فرا میگردفتند محلی برای آنها تعیین میشد، آنها مشغول انجام کار خود میشدند و عکاس از حرکات آنها عکس میگرفت. باین ترتیب فیلمها از لحاظ منظره و صحنه شباهت کاملی بتأثرهای اینزمان داشت.

در اینجا لازم است تذکر دهیم که تأثر نیز سابقاً مانند امروز آزاد نبود. قیود سه گانه وحدت زمان، وحدت مکان و وحدت عمل آنها بسکلی مقید کرده بود و همچنین قید مکان تا مدتی مدید سینما را در یک دایره محدود نگاه داشته بود یعنی تمام داستان در یک محل و در یک منظره بازی میشد بهمین جهت تولید کسالت و خستگی برای تماشاچیان مینمود.

فکر تغییر صحنه و تنوع مناظر در مخیله کمتر کسی خطور میکرد و اگر کسی احوالاً در این موضوع سخن میگفت بسخافت رأی او خندیده و عدم امکان این امر را مکرراً خاطر نشان او می کردند. بهمین جهت و در اثر همین عقیده پیشرفت زیادی نصیب فیلم بردارهای نخستین نشد. ولی طولی نکشید که کسالت و خستگی حضار از حضور در سینماهایی که تمام داستان آن در یک صحنه بازی میشد و دارای مناظر متعدد نبود مؤسسات سینمایی را بچاره اندیشی واداشت و فهمیدند که داستان هر قدر جالب و بازیکنان هر قدر ماهر و توانا باشند مادام که میدان عملیات فیلم برداری محدود بیک صحنه و یک منظره واحد است نمیتوانند بنتائج زیاد برسند.

ولی تا مدتی مدید یاز تنها بتغییر محل صحنه ها پرداختند. در خلال این مدت ابداء تغییری در نوع صحنه داده نشد. یعنی جعبه عکاسی را بدون اینکه از محل خود بجای دیگر انتقال دهند باطراف خود برگردانده و از نقاط مختلفه اطراف فیلم بر میداشتند.

صنعت تزئین و آرایش که امروزه یکی از شعب مستقل صنایع ظریفه شمرده می شود در آن روزگار مفهوم و معنی خارجی نداشت و هیچ اهمیتی بآن داده نمیشد، و آنچه را که ما امروز تزئینات صحنه ها و مناظر می شماریم فاقد قدر و قیمت بود.

مدتها باین ترتیب گذشت بدون اینکه کسی درصدد نقل و انتقال ماشین عکاسی از محلی بمحلی برای فیلم برداری از مناظر متنوع بیفتد، بالاخره در اثر تجارب متعدد رفته رفته با طرز استعمال ماشین عکاسی آشنا شده و با اهمیت نقل و انتقال آن در اماکن مختلف پی بردند و طرز عکس برداری از فراز اشیاء و اماکن یا از نواحی یست، از نقاط نزدیک یا دور و انواع مختلف دیگر آن در میان فیلم بردارها معمول و شایع شد و این صنعت از دایره محدود بودن در یک نقطه معین قدم فراتر نهاد و دارای تنوع منظره و صحنه گردید.

اقدام مهم دیگری که در این راه شد کشف این سر بود که چگونه میتوان قطعات مختلف و مجزای فیلم را باهمدیگر اتصال داده و یک قطعه کامل از آن بوجود آورد.

فرض کنید در یک فیلم میخواهند داستانی کامل را که در آن در چگونگی حمل و نقل مسافر بوسیله کشتی، کیفیت ماهی گیری، یک سلسله عملیات در مواقع طوفان هوا یا انقلاب دریا

یاجنک و حریق و غیره باید نشان داده شود بمعرض تماشا گذارند. برای این منظور مؤسسه شروع بکار میکند و از آرتیستها که تمام قسمت های داستان را بعد از مدتی مشق و تمرین بخوبی بازی میکنند فیلم برمیدارد. اما بدیهی است که فیلم برداران نمی توانند یک سلسله حوادث طبیعی را که در فیلم نمایش داده می شود خود ایجاد کنند و بنا بر این در مواقع عادی باید برداشتن فیلم از اتفاقاتی که مقارن آن حوادث است بپردازند و بعد همینکه آن حادثه ایجاد شد از آن نیز فیلم برداشته در جای مناسب قرار دهند مثلا اگر بخواهند کیفیت طوفان دریا را در اواخر فیلم نشان بدهند ولی در همان يك دوروز اول فیلم برداری اتفاقا دریا طوفانی شود فوراً شروع برداشتن فیلم از آن مینمایند و مثلا اگر در فیلم بخواهند حرقی را نشان دهند اگر اتفاقا حریق عظیمی واقع شود از آن جداگانه فیلم برمیدارند، يك روز هوا منقلب و طوفانی است آن قسمت از داستان را که باید در هوایی منقلب بازی کنند فیلم برداری می نمایند و پس از آن که از تمام صحنه های مختلف جداگانه مزبور بطور کامل فیلم برداشتند آنرا بر طبق توالی و تسلسلی که ضمن داستان تعیین شده بهاوی هم می چینند و بدین طریق فیلمی کامل تهیه می کنند.

در خلال این احوال نیز توجه کاملی بقسمت آرایش و تزئینات که از ارکان مهم سینماست شد و در این قسمت نیز پیشرفتهای شایان و قابل توجهی حاصل گشت و در این وقت بود که صنعت سینما استقلالی را که مدتها منتظر آن بودند کسب نمود و بالاخره يك صنعت ناقص و فاقد شخصیت و استقلال بطوری تند و سریع بطرف تکامل رفت که نه تنها تمام اشکالات سابق آن برطرف شد بلکه امروز مبدل بیک صنعت عظیم و مهم گردیده است.

برای چه خود را در آینه می بینیم؟

در پشت آینه طبقه ای از جیوه قرار میدهند تا مانع عبور نور از طرفی بطرف دیگر بشود و اگر این طبقه جیوه در پشت آینه وجود نداشته بلاشک آینه نیز بشیشه های پنجره شبیه بود ولی وقتی که جیوه در پشت شیشه اندوده باشد مانع گذشتن نور شده و همان اشعه ای را که بر او تابیده است منعکس میسازد و این در صورتی است که شیشه و طبقه جیوه هر دو صیقلی و صاف باشند و الا در آینه های غیر صیقلی دیدن صورت بهیچوجه میسر نیست و یا اگر باشد بطور عجیب و مضحکی است. دلیل این امر هم هویداست و مایک مثل ساده در این باب میزنیم: اگر شما تویی را بردبار صافی بزنی توپ در همان امتدادی که زده اید بر خواهد گشت و شما قبل از زدن آن مطمئنید که در چه جهتی باید بایستید ولی اگر توپ را بر یک توده سنگی که مرتب هم نباشد بزنی در يك امتداد نامعلومی خواهد برگشت. نور هم همینطور است اگر شما در مقابل يك آینه صیقلی جیوه دار بایستید می دانید که نور در چه امتدادی بر میگردد پس در همان امتداد قرار می گیرید و خود را در آینه مشاهده میکنید اما اگر آینه صیقلی نباشد اشعه وارده بر آن نیز در امتدادهای نامعلومی که شمارا بر آن اطلاعی نیست منعکس میشوند و باین ترتیب دیدن صورت در آن برای شما میسر نمیشود.